

## رویکردها در تفسیر دین

### مجید معارف<sup>۱</sup>

#### چکیده

امروزه سؤال‌ها و نیازهای متفاوتی پیش روی ماست و دو نوع چالش بر سر راه قرآن و نظام تفسیری است؛ اول اینکه آیا مسائل و نیازهای جدید، موضوع قرآن قرار می‌گیرد یا اینکه قرآن در این زمینه مطلبی ندارد؟ سه رویکرد وجود دارد:

۱. دیدگاه سنتی: قرآن «تَبَيَّنَّا لَكُلِّ شَيْءٍ» (نحل، ۸۹) است و همه مسائل و نیازها می‌تواند موضوع قرآن باشد.
۲. دیدگاه دوم: کسانی که معتقد به تاریخمندی قرآن هستند. این گروه معتقدند که قرآن نسبت به موضوعات حادث در دوره‌های مختلف ساکت است؛ بنابراین قرآن ناظر بر فرهنگ و نیازهای مردم عصر نزول است و زبانش نیز عرفی است.
۳. رویکرد حداکثری: قرآن، حقایق خود را بی‌واسطه و باواسطه بیان می‌کند و می‌توان از ظرفیت عقل و نقل برای استخراج حقایق قرآنی استفاده کرد.

چالش دیگر بر سر راه مکاتب تفسیری این است که اگر مسئله‌ای موضوع قرآن باشد، مبانی ما برای تفسیر آن مطلب در قرآن چیست؟ برای فهم کامل‌تر و روشن‌تر از متن دین، باید مبانی تفسیر قرآن کریم را بازخوانی کرد و ضمن پاسداشت میراث قدیم، آن را فربه‌تر ساخت. باید ظرفیت‌شناسی لازم نسبت به ادوات تفسیری و حجیت‌شناسی صورت بگیرد و مستند به روایات، به نقش منبعی عقل توجه کرد.

محوری‌ترین مسئله جهان معاصر، در حوزه فرد، اقناع‌بخشی و آرامش‌بخشی به افراد و در حوزه اجتماع، پیشرفت در همه ابعاد اجتماعی است. در مسئله پیشرفت باید به هر دو حوزه فرد و جامعه و ابعاد مختلف آن یعنی نظام‌های دینی، سیاسی، اقتصادی و... توجه داشت.

بیانات معصوم(ع) را فراتر از نصوص قرآنی در اختیار ما قرار می‌دهند و از سنت آل‌البیت(علیهم‌السلام) می‌توان به‌عنوان منبع استنباط، متدولوژی و الگوی نسبت بین وحی و عقل استفاده نمود.

برای فهم کامل دین باید به مجموعه معارف دینی نگریست. اسلام فقاهتی، همه اسلام نیست و باید جامعیت معارف را در نظر گرفت.

واژگان کلیدی: تفسیر دین، حجیت، پیشرفت، نظام تفسیری، فلسفه دین.

---

<sup>۱</sup>. هیئت علمی دانشگاه تهران.